



## معرفی کتاب خودترجمه ادبی: دورنماهای نظری

دکتر صابر محسنی<sup>۱</sup>

دانش‌آموخته ترجمه‌شناسی از موسسه ملی زبان و تمدن‌های شرقی پاریس،

ایران

(تاریخ دریافت: ۲۵ اسفندماه ۱۳۹۷؛ تاریخ پذیرش: ۲۶ فروردین ۱۳۹۸)

در این مقاله به معرفی و بررسی کتاب خودترجمه ادبی: دورنماهای نظری پرداخته می‌شود که دربرگیرنده ده مقاله ارائه شده در همایشی به همین نام می‌باشد که در سال ۲۰۱۲ در دانشگاه اودین ایتالیا برگزار شده است. خودترجمه به عنوان «ترجمه‌ای که یک نویسنده از اثر خود به زبان دیگر ارائه می‌کند» تعریف شده است. این کتاب شامل دو بخش است که به ترتیب با رویکردهای بیرونی (عوامل تاریخی، اجتماعی و ...) و رویکردهای درونی (که متن و مؤلف را در مرکز مطالعه قرار می‌دهند) به بررسی جنبه‌های مختلف خودترجمه ادبی می‌پردازند.

کلیدواژه‌ها: خودترجمه، نقد ترجمه، ترجمه ادبی، نویسنده- مترجم، مترجم.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> E-mail : [sabermohseni@live.com](mailto:sabermohseni@live.com)

دانشگاه‌ها و مراکز علمی اروپا هر ساله در چارچوب نشست‌های تخصصی پذیرای پژوهشگران حوزه ترجمه از کشورهای مختلف هستند و دستاورد این نشست‌ها و پژوهش‌ها در قالب کتاب و مجموعه مقالات در اختیار علاقه‌مندان و متخصصان قرار می‌گیرد. یکی از این نشست‌ها در سال ۲۰۱۲ در دانشگاه اودین ایتالیا با عنوان «خودترجمه: دورنماهای نظری» برگزار شد که مجموعه مقالات ارائه شده در این نشست در سال ۲۰۱۶ به همت آلساندرا فرارو و رنیه گروتمان در کتابی ۲۶۰ صفحه‌ای با همین عنوان در مجموعه «ملاقات‌ها»<sup>۱</sup> از سوی انتشارات گارنیه<sup>۲</sup> پاریس منتشر شد. اما کتاب مذکور تنها به مقالات ارائه شده در نشست محدود نمی‌شود و چهار مقاله دیگر از کریستین لاگارد، حوزه مانولیل داسیلوا، پائولو پوچینی و کریستین لومبیز به آن افزوده شده است.<sup>۳</sup>

تعریف «خودترجمه» در پیش‌گفتار این کتاب بدین صورت ارائه شده است: «همان‌گونه که خودزندگی‌نامه داستانی است که نویسنده از زندگی خود روایت می‌کند، «خودترجمه» نیز می‌تواند به عنوان ترجمه‌ای تعریف شود که مؤلف از اثر خود ارائه می‌دهد» (ص ۷).

بی‌گمان این کلمه می‌تواند به عمل ترجمه اثر به زبان دیگر<sup>۴</sup> و یا به نتیجه آن، یعنی متن ارائه شده از سوی نویسنده اصلی به زبان دیگر اطلاق شود. آن‌گونه که فرارو و گروتمان ذکر می‌کنند در قرون

<sup>۱</sup> Rencontres

<sup>۲</sup> Garnier

آفهرست مقالات و نویسندگان آن‌ها بدین ترتیب است:

بخش اول:

« L'autotraduction, exercice contraint ? Entre sociolinguistique et sociologie de la littérature », Christian LAGARDE

« L'autotraduction, de la galerie de portraits à la galaxie des langues », Rainier GRUTMAN

« La prise en compte du Sujet, une approche anthropologique de l'autotraduction », Paola PUCCINI

« ... et ainsi j'ai décidé de me traduire. Les moments déclencheurs dans la vie littéraire des autotraducteurs », Eva GENTES

« L'opacité de l'autotraduction entre langues asymétriques », Xosé Manuel DASILVA

بخش دوم:

« Traduit par l'auteur : sur le pacte autotraductif », Alessandra FERRARO

« La traduction littéraire collaborative entre privilège auctorial et contrôle traductif », Valeria SPERTI

« Génétique des textes et autotraduction : le texte dans tous ses états », Chiara MONTINI

« Écriture féminine et autotraduction : entre « occasion délicieuse », mort et jouissance », Pascale SARDIN

« Poésie et autotraduction », Christine LOMBEZ

<sup>۴</sup> acte de traduire

وسطا خودترجمه رواج فراوانی داشته و اومانیت‌ها آثار خود و همچنین نقد خود بر آثار عالمان لاتین را به زبان مردم و یا حداقل به زبان پادشاه عصر خود ترجمه می‌کرده‌اند. اگرچه به تدریج در عصر رمانتیسیم و با ظهور مفاهیمی همچون زبان مادری و زبان ملی نویسندگان کم‌تر از پیش به ترجمه آثار خود پرداختند اما این عمل هرگز از بین نرفت تا این‌که دوباره در قرن بیستم شاهد افزایش تلاش نویسندگان برای ترجمه آثار خود به زبان‌های دیگر باشیم. ظهور مجدد خودترجمه به بروز سه پدیده بین‌المللی مربوط است: در ابتدا برنامه صلح ویلسون، رئیس جمهور آمریکا، برای پایان دادن به جنگ جهانی اول و بازسازی اروپا که این معاهده باعث پیدایش آگاهی زبانی در میان برخی اقلیت‌ها شد.<sup>۱</sup> از طرف دیگر تبعیدهای پرشمار ناشی از درگیری‌های سیاسی و همچنین مهاجرت‌های وسیع به دلیل بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی که موجب شد هنرمندان و نویسندگان تبعیدی و مهاجر علاوه بر نوشتن آثار خود به زبان مادری، به فکر نوشتن یا ترجمه آثار خود به زبان کشور میزبان نیز بیفتند. دلیل سوم نیز پایان استعمار و مبارزه ملل دریند برای رهایی از یوغ استعمار بود. این مبارزات همیشه با مطالبه برای به رسمیت شناختن زبان ملی و یا قومی همراه بوده است.

علی‌رغم رواج خودترجمه در اروپا و نقش آن در جریان‌های اجتماعی و سیاسی، پژوهشگران تا آغاز قرن بیست و یک به صورت موردی و محدود (غالباً در چارچوب نوشته‌های انتقادی درباره نویسندگان بزرگ دوزبانه) به مسئله خود-ترجمه پرداخته‌اند و می‌توان گفت تا آن زمان جز در موارد انگشت‌شمار این مسئله موضوع اصلی مطالعه نبوده است؛ به همین دلیل فرارو و گروتیمان هدف کتاب خود را بدین صورت تعریف می‌کنند: «هدف این اثر ارائه تأملی همه‌جانبه درباره خود-ترجمه است که از موارد محدود که به صورت جداگانه مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، فراتر می‌رود و در پی شناخت و کشف گرایش‌هاست» (ص. ۸). در ادامه نمونه‌هایی از مطالعات و نوشته‌هایی که در آغاز قرن بیست و یکم در انگلیس، اسپانیا، ایتالیا، رومانی، دانمارک، برزیل و فرانسه به موضوع خودترجمه اختصاص داده شده‌اند، معرفی می‌شوند. در این کتاب، فرارو و گروتیمان قصد دارند به زبان فرانسه صدای پژوهشگرانی را به گوش بفرسانند که زبان مادری یا زبان شغلی آن‌ها فرانسه است و از سوی دیگر نظرات پژوهشگران آلمانی زبان، ایتالیایی زبان و اسپانیایی زبان را به فرانسه بیان کنند.

<sup>۱</sup> معاهده صلح ویلسون که بیشتر با عنوان «۱۴ نکته ویلسون» شناخته می‌شود، شامل برنامه‌ای بود که در قالب سخنرانی رئیس جمهور آمریکا در تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۱۸ در کنگره اعلام شد. از جمله نکاتی که وی برای برقراری صلح و بازسازی اروپا پیشنهاد داد، تجارت آزاد، حق دسترسی به دریا، دموکراسی، عدم دیپلماسی پنهان، خلع سلاح و حق مردم برای تعیین سرنوشت خود بود. اگرچه ویلسون برای اعلام این نکات با همکاران اروپایی خود مشورت و هماهنگی نکرده بود، اما او موفق شد برخی از این نکات را در معاهده ورسای بگنجاند. هرچند آرمان‌های اعلام شده در این برنامه صلح به طور کامل اجرا نشد، اما این برنامه باعث ایجاد امید به آزادی در مستعمرات شد و صحبت‌های ویلسون از سوی جریان‌های استقلال‌طلب به زبان‌های مختلف ترجمه و حتی در مدارس کشورهای آسیایی و آفریقایی تدریس شد.

کتاب مذکور به دو بخش مساوی تقسیم شده که هر کدام شامل پنج مقاله می‌شود. بخش اول با عنوان «چارچوب‌های بافتی»<sup>۱</sup> بر بررسی خودترجمه‌ها از جنبه‌های پدیدارشناختی و اجتماعی- فرهنگی تأکید دارد. اما در بخش دوم که «پویایی متنی»<sup>۲</sup> نام دارد، نویسندگان بر اساس تحلیل میکروسکوپی و درونی خودترجمه‌هایی از کاترین کوسه، نانسی هوستون، ژولین گرین، جوزپه اونگارتی، ناباکوف، سن ژان پرس و ... به ارائه نظرات و تأملات خود می‌پردازند.

بخش اول با مقاله کریستین لاگارد به نام «خودترجمه، یک عمل اجباری؟» آغاز می‌شود؛ براساس ایده اصلی این مقاله خودترجمه یک عمل آزادانه و کاملاً اختیاری از جانب نویسنده-مترجم نیست، بلکه تابع الزامات اجتماعی، فرهنگی و زبانی فراوانی است. این موضوع به ویژه زمانی آشکار می‌شود که دو زبان درگیر در فرآیند خودترجمه دارای توزیع اجتماعی یکسان و متقارن نباشد و یکی بر دیگری تسلط داشته باشد.

مقاله دوم که به قلم گروتمان نوشته شده، «خودترجمه، از گالری پرتوها تا کهکشان زبان‌ها» نام دارد. گروتمان با رویکردی جامعه‌شناختی به تفاوت نفوذ و جایگاه زبان مبدأ و مقصد در فرآیند خودترجمه می‌پردازد تا بتواند تأثیر آن‌ها را بر جهت ترجمه (خودترجمه اغلب از زبان کم‌تر شناخته شده به زبان گسترده‌تر انجام می‌گیرد)، تصمیم‌ها و انتخاب‌های مترجم و دلایلی مشخص کند که یک مؤلف را به ترجمه آثار خود وا می‌دارد.

پائولا پوچینی در مقاله «در نظر گرفتن سوژه» رویکردی مردم‌شناختی را در پیش می‌گیرد تا نشان دهد که متن اصلی از گذشته سرچشمه می‌گیرد، از زمان حال عبور می‌کند تا در قالب یک «خودترجمه» در آینده انعکاس یابد. «خودترجمه» فرصتی است برای نویسنده-مترجم تا دست به تغییر متن اصلی و جبران گذشته بزند و آینده‌ای متفاوت برای اثر خود رقم بزند.

چهارمین مقاله با عنوان «و این گونه تصمیم به خودترجمه گرفتیم» نوشته اوا ژانت به بررسی اولین خودترجمه‌های چهارده نویسنده معاصر و در قید حیات اختصاص دارد تا از این طریق انگیزه‌ها، دلایل آغازین و شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و شخصیتی که باعث می‌شود تا یک مؤلف اقدام به ترجمه اثر خود کند، شناسایی شوند. در میان انگیزه‌ها و دلایل مذکور می‌توان به ارزیابی میزان استقبال از اثر در یک زبان دیگر، رفع برخی موانع تشریحی مانند سانسور، مسائل روان‌شناختی و شخصیتی و همچنین جبران کاستی‌های ترجمه‌های موجود از یک اثر اشاره کرد.

خوزه مانوئل داسیلوا در مقاله «عدم شفافیت در خودترجمه بین زبان‌های نامتقارن» شرایطی را توصیف می‌کند که باعث می‌شوند نویسنده-مترجم ماهیت متن «خودترجمه» را از خواننده پنهان کند و آن را به عنوان متن اصلی معرفی نماید. وجود یا عدم وجود نشانه‌های پیرامنی<sup>۳</sup> تأثیری قطعی بر استقبال از متن، خواه به عنوان متن اصلی، خواه به عنوان ترجمه دارد.

<sup>1</sup> cadres contextuels

<sup>2</sup> dynamiques textuelles

<sup>3</sup> péricontextuel

بخش دوم این کتاب «پویایی متنی» نام دارد که در آن جنبهٔ خلاقانهٔ عمل «خودترجمه» بررسی می‌شود. در این بخش معیارهایی مانند وفاداری و ویژگی‌های شکلی و زبانی کم‌تر برای سنجش متن حاصل از «خودترجمه» به کار گرفته می‌شوند، بلکه بیشتر به انتخاب‌های مترجم و انگیزه‌های آشکار و پنهان او پرداخته می‌شود. نویسندگان مقالات بخش مذکور معتقدند که در مقایسه با مترجمان عادی، نویسنده-مترجم از آزادی بیشتر در رابطه با متن اصلی برخوردار است و خوانش ممتازتری نسبت به دیگر مترجمان ارائه می‌دهد.

«ترجمه شده به دست نویسنده: در باب قرارداد خودترجمه» به قلم آلساندرا فرارو اولین مقالهٔ بخش دوم این کتاب است. در این مقاله فرارو به مطالعهٔ فرامتن‌های خودترجمه‌ها (شامل عنوان، عنوان فرعی، پیش‌گفتار، دیباچه، مؤخره و ...) می‌پردازد تا دو نوع قرارداد میان نویسنده-مترجم و خواننده را از هم تمیز دهد: در مورد اول ماهیت ترجمه‌ای اثر از خواننده پنهان نگه داشته می‌شود (قرارداد صفر) و بدین ترتیب رابطهٔ برتری میان متن اصلی و متن ترجمه از بین می‌رود و هر دو اثر به عنوان متن اصلی شناخته می‌شوند. پنهان کردن ماهیت «خودترجمه» از خواننده، میل نویسنده را برای تعلق به هر دو محیط زبانی و ادبی ارضا می‌کند. اما وقتی خواننده می‌داند آنچه که در دست دارد، نسخه‌ای از متن اصلی است که به دست نویسنده ترجمه شده، قرارداد «خودترجمه» بین نویسنده و خواننده وجود دارد و برتری متن اصلی بر متن «خودترجمه» شکل می‌گیرد. این امر نشانگر میل نویسنده برای تعلق به یکی از کانون‌های ادبی است.

دومین مقاله به قلم والریا اسپرتی و با عنوان «ترجمه ادبی مشترک میان امتیاز مؤلف و نظارت مترجم» به بررسی انواع همکاری‌ها بین نویسنده و مترجم می‌پردازد: ۱. همکاری ترجمه‌ای<sup>۱</sup> که بین مترجم و نویسنده از راه دور شکل می‌گیرد و بیشتر شامل تشریح دشواری‌های متن و اصلاحات زبانی می‌شود. در این نوع همکاری نویسنده تسلط چندانی بر زبان ترجمه ندارد و بنابراین تبادلات میان او و مترجم دچار محدودیت هستند و نقش آن‌ها با یکدیگر عوض نمی‌شود. ۲. همکاری نزدیک<sup>۲</sup> که بین نویسنده-مترجم و یک مترجم که اغلب خود نویسنده، شاعر و دوست و همراه نویسندهٔ اصلی است شکل می‌گیرد. در این مورد صاحب اثر و مترجم برای رسیدن به انتخاب‌های مناسب به گفت‌وگو و چانه‌زنی با یکدیگر می‌پردازند تا «فرامتن»<sup>۳</sup> مشترکی شکل دهند. ۳. ترجمه به کمک دیگران<sup>۴</sup>: در این مورد مترجم به عنوان مشاور در خودترجمه شرکت دارد و همکاری او با مترجم-نویسنده بر اساس توانایی‌های ادبی، زبانی و فرهنگی متقابل انجام می‌گیرد. در این سه نوع همکاری میزان مشارکت و تأثیرگذاری نویسنده به عنوان پدیدآورنده و صاحب اثر متفاوت است و نتایج مختلفی به دنبال دارد.

<sup>1</sup> collaboration traductive

<sup>2</sup> closelaboration

<sup>3</sup> méta-texte

<sup>4</sup> traduction assistée

کیارا مونتینی، نویسنده مقاله سوم این بخش با نام «تکوین متون و خودترجمه: متن در تمام حالات خود» بر موقعیت و حالت ناتمام و موقت متن خودترجمه تاکید می‌کند. بررسی متون اصلی و خودترجمه ساموئل بکت، ناباکف و بپ فنوگلیو این ایده را تقویت می‌کند که متن ابژه‌ای در حرکت است که تنها در ظاهر کامل و پایان یافته به نظر می‌رسد. از این رو خودترجمه می‌تواند موضوع تحلیلی قرار بگیرد که با در نظر گرفتن متن در حالت تکوین و تکامل، مفهوم متن اصلی را از بین می‌برد. به عبارت دیگر زمانی که نویسنده دست به ترجمه اثر خود می‌زند، در واقع متن و عمل نوشتار خود را امتداد می‌دهد. در نتیجه به عقیده مونتینی نقد تکوینی برای بررسی و درک پدیده آفرینش ادبی چندزبانه که خودترجمه یکی از مصادیق آن است، ضروری می‌نماید.

در مقاله چهارم از بخش دو با عنوان «نوشتار زنانه و خودترجمه»، پاسکال ساردن به بررسی خودترجمه‌های نانسی هوستن و هلن سیزو می‌پردازد که خودترجمه برای آن‌ها فضای «ذات»، «خوشی» و «دست‌کاری آزاد و خلاقانه نشانه زبان‌شناختی» را فراهم می‌کند (ص ۲۰۳).

نویسنده آخرین مقاله این مجموعه کریستین لومبیز است که در مقاله خود با عنوان «شعر و خودترجمه» این فرضیه را مطرح می‌کند که در خودترجمه، شاعر در پی نزدیک شدن به زبان افسانه‌ای و جهانی شعر است که از زبان‌های فردی فراتر می‌رود و آن‌ها را پشت سر می‌گذارد (ص ۱۷). او از خود می‌پرسد «آیا در خودترجمه تنها فرآیندی مربوط به استعداد زبانی مطرح است یا این‌که باید در آن به دنبال نشانه رابطه‌ای خاص با زبان بود؟ رابطه‌ای که شاعر را به انسانی در ورای زبان یا به انسانی با یک زبان واحد (زبان شعر) تبدیل می‌کند» (ص ۲۰۵).

کتاب‌شناسی این مجموعه صفحات ۲۲۱ تا ۲۴۶ کتاب را اشغال کرده و مشخصات مقالات و نوشته‌ها، سایت‌ها و وبلاگ‌های پرباری را به زبان‌های گوناگون شامل می‌شود که می‌تواند برای پژوهشگران علاقه‌مند به موضوع «خودترجمه» بسیار مفید باشد. از این میان می‌توان به وبلاگ اوا ژانت اشاره کرد که در آن فهرست آخرین همایش‌ها و انتشارات در حوزه ترجمه و به ویژه «خودترجمه» منتشر می‌شود<sup>۱</sup>.

در مجموع می‌توان گفت مقالات گردآوری شده در این کتاب که از رویکردهای مختلف میان رشته‌ای به مسئله خودترجمه می‌پردازند، توانسته‌اند به خوبی جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، زبانی و شخصیتی عمل «خودترجمه» و متن حاصل از آن را آشکار کنند و از سوی دیگر دلایلی را بررسی کنند که باعث می‌شوند یک نویسنده به ترجمه کردن اثر خود به زبان دیگر دست بزند. هرچند که بررسی موضوع خودترجمه با رویکردهای گوناگون و به کار بردن اصطلاحات خاص آن‌ها باعث شده متن کتاب اندکی دشوار و درک آن مستلزم تسلط کافی بر رویکردهای مختلف نقد و مطالعات ترجمه باشد، اما مطالعه آن می‌تواند الهام‌بخش علاقه‌مندان و پژوهشگران ایرانی در حوزه مطالعات ترجمه باشد. ظاهراً موضوع «خودترجمه» در کشور ما مورد توجه قرار نگرفته و از سوی دیگر مشخص نیست

<sup>۱</sup> <https://self-translation.blogspot.com/>

نویسندگان و شاعران ایرانی تا چه اندازه دست به ترجمه آثار خود به زبان‌های دیگر زده‌اند یا با مترجمان آثار ادبیات فارسی در کشورهای دیگر در ارتباط‌اند و نوع ارتباط آن‌ها چگونه است. اما اگر «خودترجمه» را در معنای وسیع‌تر آن در نظر بگیریم (آن گونه که والریا اسپرتی در مقاله خود به انواع همکاری میان نویسنده و مترجم پرداخته بود)، بی‌گمان می‌توان در دوران معاصر به نمونه‌هایی از این متون دست یافت (به طور مثال آیا رمان‌نویسان یا شاعرانی که مترجمان فرانسوی مانند کریستف بالای آثار آن‌ها را به فرانسه ترجمه کرده، یا مترجم آثار خود در ارتباط و همکاری بوده‌اند؟) و یا با بازگشتن به دوران مشروطه می‌توان نویسندگانی را شناسایی کرد که آثار خود را به زبان‌های دیگر نوشته یا ترجمه کرده‌اند (به عنوان مثال می‌توان به نمایشنامه‌نویسانی چون میرزافتحعلی آخوندزاده اشاره کرد که نوشته‌های خود را به ترکی و روسی ترجمه می‌کرده و به روی صحنه می‌برده‌اند).

## References

منابع

Ferraro, Alessandra et Rainier Grutman (dir.) (2016). *L'Auto traduction littéraire: Perspectives théoriques*, Paris: Classiques Garnier, 260 p.





## **An Introduction to the Book *L'Autotraduction littéraire: Perspectives théoriques***

**Saber Mohseni<sup>1</sup>**

PhD in French translation studies, INALCO, Paris.

(Received: 16 March 2019; Accepted: 15 April 2019)

This article presents and reviews the book titled *L'Autotraduction littéraire: Perspectives théoriques*. It includes 10 articles presented in an international seminar by the same name, which took place at the Udine University in Italy in 2012. Auto-translation is defined as "The translation that an author presents of his own work in another language". This book is divided into two parts that address the different aspects of auto-translation by considering external factors (historical, cultural and social contexts) and internal factors (which treats the text and the author as the focus of the studies).

**Keywords:** Self-translation, Translation Criticism, Literary Translation, Author-Translator, Translator.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

<sup>1</sup> E-mail: [sabermohseni@live.com](mailto:sabermohseni@live.com)